

نمود آخرین صورت ادبیات فارسی میانه ساسانی

سیروس نصراله زاده*

فربیا ناصری کوهبنانی**

چکیده

مقاله‌ی حاضر با معرفی انواع نامه‌های فارسی میانه‌ی سده‌ی هفتم شامل پاپيروس و پوست‌نوشته در مصر، در زمان چیرگی ارتش خسرو دوم (۶۱۸-۶۲۸ م.)، به بررسی نوع خط، سبک نگارش و ادبیات این اسناد خواهد پرداخت که به خط تحریری شکسته‌ای نوشته شده که می‌تواند به عنوان آخرین گونه کاربردی خط در دوره ساسانی شناخته شود. در عین حال این نامه‌ها نمایانگر فعالیت‌های چندجانبه‌ی ایرانیان در مصر هستند. مکاتبات یادشده، تنها میان ایرانیان رد و بدل نمی‌شده؛ بلکه مابین ایرانیان و کارمندان و صاحب‌منصبان مصری هم، که قبل از ورود ایرانیان، با نظام دیوانی روم آشنایی کافی داشتند، بوده است که نشان تعامل اجتماعی و به ویژه اقتصادی میان دو گروه و تأثیرپذیری آنها از هم نیز هست. این نامه‌ها به لحاظ زبان‌شناسی، ادبی و تاریخی قابل بررسی هستند. پاپيروس و پوست‌نوشته‌های یاد شده، در بعد واژگان، نحو و سبک نگارش با نوشته‌های فارسی میانه‌ی کتابی تفاوت‌هایی دارند که از خلال آنها، تحول خط از صورت کتیبه‌ای به شکسته بررسی می‌شود. ادبیات این پاپيروس و پوست‌نوشته‌ها، به ویژه در بخش نامه‌های رسمی به عنوان نمود کلی مکاتبه دوره‌ی ساسانی، به نحوی است که سعی شده از طریق ریختارها و الگوهای ثابت، موجز اما گویا و مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها: پاپيروس‌های فارسی میانه، خط شکسته، نامه‌های شخصی و رسمی، ادبیات، مجموعه‌های پاپيروس

* دانشیار فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
cyrusnasr@googlemail.com

** دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،
daaryan.fa@gmail.com

۱. مقدمه

در سال ۶۱۸ م. ارتش خسرو دوم (۵۹۰-۶۲۸ م.)، بخش‌هایی از مصر^۱ شامل تعدادی از شهرهای نزدیک رود نیل^۲ را به مدت ده سال، به تصرف درآورد. از این دوره حدود هزار سند به خط فارسی میانه و در موضوعات مختلف، بر پاپيروس^۳، چرم، پوست و کتان در مصر (غالباً در فیوم^۴) و سفال‌نوشته‌هایی در خود ایران، به جا مانده است (هویسه، ۱۳۹۳: ۱۴۳). از دیرباز در ایران برای نوشتن بیشتر از پوست گاو و گوسفند و کتان استفاده می‌شد؛ اما گسترش تجارت و تعامل اقتصادی و کشورگشایی، ایرانیان را از زمان هخامنشیان، با پاپيروس که غالباً در مصر برای نگارش استفاده می‌شد، آشنا ساخت و از این روی، شاید بتوان گفت بیشتر نوشته‌های ایرانی بر پاپيروس، با مصر مرتبط است.^۵ علاوه بر این، این فتح، تأثیرات و تبادلات فرهنگی‌ای هم در پی داشت (در این باره نک. دریایی ۲۰۰۳: ۱؛ نیز برای ابزاری که ساسانیان برای نوشتن به کار می‌بردند، نک. آذری و دیگران ۲۰۰۲: ۱۸۳). اداره‌ی مصر به عنوان یکی از مستعمرات ایران، الزام به ایجاد نهادهای اداری، پادگان‌های نظامی و دریافت مالیات را به همراه داشت که خود منتج به مکاتبات مختلف اداری می‌شد. از سویی در پی مهاجرت خانواده‌های تجار و یا نظامیان می‌توان نوشته‌های شخصی یا خصوصی را دید. روی‌هم‌رفته، این اسناد به نقل و انتقال افراد و کالاها، رسید دریافت، تحویل و یا گزارش و فرمان‌های نظامی و یا خبر سلامت افراد، که عمدتاً بر روی پوست و پاپيروس، نوشت افزار رایج مصر، نوشته می‌شد، اشاره دارند (وبر ۲۰۰۷: ۷۳۰). قرائت برخی از این نوشته‌ها، به خاطر خط دشوار خاص آنها و یا شرایط نگهداری، مشکل‌ساز بوده است. این خط با آنچه که در کتیبه‌ها و یا برای متون زردشتی به کار رفته است، تفاوت دارد و می‌توان گفت با این که به نحوی دنباله‌ی ادبیات سستی ساسانی است در عین حال نمود واپسین نوع خط و ادبیات رسمی و اداری این دوره است که ملزم به تأثیرپذیری و تلفیق با الگوهای جدید گشته است.

۲. معرفی مجموعه‌های پاپيروس‌های فارسی میانه

بیشتر این یافته‌ها در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم خریداری شده است. در آن زمان هنوز مطالعات فارسی میانه ساسانی نوپا بود و چون اغلب در قاهره از مجموعه‌های خصوصی خریداری شده بود، تاریخ دقیق و محل کشف آنها مشخص نیست. تعدادی از پاپيروس‌های این مجموعه‌ها مستقیماً از اکتشافات باستان‌شناسی در مصر به دست آمده‌اند، مثلاً اولین

سری یافته‌های فیوم کهدر اوایل ۱۸۸۲ به وین منتقل شد و بخش بزرگی از مجموعه‌ی وین را تشکیل می‌دهد. در ادامه‌ی همین کنکاش‌ها و در دومین مجموعه در سال ۱۸۸۳، کراباچک (Karabaček) از وجود ۲۰۰ پاپيروس دیگر گزارش داد (دریایی ۱:۲۰۰۴؛ وبر ۱۹۸۳:۲۱۵؛ نیز نک. ژینو ۱۹۹۹:۲۵). این پاپيروس‌ها در نقاط مختلف دنیا پراکنده گشته‌اند و بیشتر آنها در اروپا نگهداری می‌شوند. برخی از آنها منتشر و قسمت عمده بدون تحقیق و انتشار باقی مانده‌اند. این مجموعه‌ها به شرح زیر معرفی می‌شوند:

۱.۲ مجموعه مسکو با چهل پاپيروس

اطلاعات بسیار اندکی درباره‌ی ۴۰ پاپيروس در مجموعه‌ای به نام گولونیشچو (Goloniščev) در مقاله فریمن (Izvestija Rossijskoj Akademi Nauk. 1918) در دست است.

۲.۲ مجموعه فیلادلفیا در موزه دانشگاه، بیست و چهار پاپيروس

در قاهره خرید شده و با نشان هـ ۱۶۴۸۳ تا هـ ۱۶۵۰۲ مشخص شده‌اند.

۳.۲ مجموعه استراسبورگ در کتابخانه ملی و دانشگاه، هفت پاپيروس

تعداد این پاپيروس‌ها را هانزن ۶ عدد، دومناش ۵ و وبر ۷ عدد می‌داند. دلیل ارایه‌ی این اعداد متفاوت، ساییدگی یکی از این قطعات است.

۴.۲ مجموعه هایدلبرگ، چهل و هشت پاپيروس

این پاپيروس‌ها از شمارگان ۱-۴۸ نشان‌گذاری شده بودند.

۵.۲ مجموعه پاریس در موزه‌ی لوور، هجده پاپيروس

تعداد پاپيروس‌های پهلوی این مجموعه اندک است و احتمال دارد هنوز موارد بیشتری از آنها شناخته و معرفی شوند، این مجموعه از کهن‌ترین مجموعه‌هاست. پاپيروس‌های فارسی میانه این مجموعه از سال ۱۸۵۱ در آنجا نگهداری می‌شوند.

۶.۲ مجموعه آکسفورد، در بادلیان، هفت پاپيروس

تنها سه تا از آنها چاپ شده است (نک. وبر ۱۹۸۴: ۳۰).

۷.۲ مجموعه نیویورک، موزه بروکلین، سه پاپيروس

این اسناد نخست آرامی دانسته شده بودند.

۸.۲ مجموعه گوتینگن، کتابخانه دانشگاه، سه پاپيروس

شامل دو قطعه پارچه‌نوشته و یک پاپيروس سالم، احیانا این پاپيروس‌ها از محل دفینه‌های ممفیس پیدا شده‌اند. البته قطعاتی دیگر از پوست و پاپيروس هم در این مجموعه وجود دارد که هنوز برای ما شناخته شده نیستند و فاقد نشان‌گذاری مشخص مانده‌اند.

۹.۲ مجموعه قاهره، کتابخانه دانشگاه، دو پاپيروس

با شناسه پاپيروس‌شماره‌های ۵۳ و ۵۴ منتشر شده‌اند.

۱۰.۲ مجموعه لندن، کتابخانه بریتانیا، یک پاپيروس

با شناسه پاپيروس شماره ۵۸ منتشر شده است.

۱۱.۲ مجموعه منچستر، کتابخانه دانشگاهی جانریلند، یک پاپيروس

با شناسه پاپيروس شماره ۲۵ منتشر شده است.

۱۲.۲ مجموعه پراگ، یک پاپيروس

اطلاع از وجود آن از سوی پروفیسور پینتاودی (R. Pintaudi) داده شده و اطلاع بیشتری هنوز در دست نیست.

۱۳.۲ مجموعه بازل، کتابخانه دانشگاه، یک پایروس

این یک متن تقریباً کامل بر روی یک تکه پایروس مستطیل شکل بزرگتر است.

۱۴.۲ مجموعه برکلی، کتابخانه بانکرافت، چهار پایروس

چهار قطعه کاغذ با عربی متقدم و قطعه کاغذی بدون نوشته اما مزین به نقوش در مجموعه فارسی میانه ساسانی از بایگانی پهلوی که منحصر به فرد هستند.

۱۵.۲ مجموعه‌های خصوصی که منتشر نشده‌اند.

قطعاً در این مجموعه‌ها هنوز هم قطعات منحصر به فرد ناشناخته‌ای هست.

۱۶.۲ مجموعه برلین، موزه مصرشناسی، دو یست و نوزده پایروس

این مجموعه مهم‌ترین بخش این پایروس‌ها است. بزرگ‌ترین قطعات این دست‌نوشته‌ها در برلین هستند که در سال‌های ۱۸۸۰-۱۸۷۰ توسط کنسول آلمان در بازار روزانه محلی قاهره خریداری شده است (نک. وبر ۱۹۸۳:۲۱۵؛ همو ۱۹۸۴:۲۶؛ نک. تفضلی ۱۹۹۳:۲۸۸).

۱۷.۲ مجموعه وین، کتابخانه ملی اتریش، مجموعه پایروس ارتزوغ

رایتر (Erzherzog Rainer)، بیست و هفت پایروس

تا سال ۱۹۳۶ دارای ششصد و چهار پایروس و به لحاظ عددی بزرگ‌ترین مجموعه‌ی پایروس‌نوشته‌های فارسی میانه بوده است. ظاهراً به دلیل مشکلاتی که در جنگ جهانی دوم برای محافظت از این آثار برای کتابخانه به وجود آمد، این اسناد به موزه‌ی ارمیتاژ منتقل شده بوده‌اند. تنها تعداد اندکی از این مجموعه بزرگ، خوانده و منتشر شده است (وبر ۲۰۰۵؛ همو ۱۹۸۴:۲۶-۳۴؛ همو ۲۰۰۷الف:۲۵۶؛ همو ۲۰۰۷ب:۷۲۷؛ همو ۱۹۸۳:۲۱۵؛ نیز برای معرفی این مجموعه‌ها نک. هانزن ۱۹۳۸:۹-۱۱).

۳. تاریخچه مطالعات پاپيروس‌های فارسی میانه

سیر مطالعاتی پژوهش بر روی پاپيروس‌های فارسی میانه به این شرح است: نخست در سال ۱۸۷۸ م. شرق‌شناسی به نام زاخائو^۶ در مقاله‌ای از وجود پاپيروس‌های ایرانی موجود در مصر اطلاع داد؛ این پاپيروس‌ها همان سال از قاهره به برلین برده شدند. پس از او، هرن^۷ قطعات برلین را مطالعه کرد و در سال ۱۸۸۹ مقاله‌ای درباره‌ی آنها نوشت. کرسته (Kirste) نیز از نخستین کسانی بود که متوجه نوع خاص الفبای این نوشته‌ها شد (وبر ۱۹۸۳: ۲۱۶). وی بر روی مجموعه‌ی وین مطالعاتی انجام داد. تقریباً نیم قرن بعد هانزن^۸ بخش بسیار با اهمیتی از مجموعه برلین را ویراست و فهرستی شامل ۶۶ پاپيروس فارسی میانه را با شماره‌گذاری ابتدایی از پاپيروس‌ها ارائه داد؛ همچنین معرفی پاپيروس‌های استراسبورگ، آکسفورد، گوتینگن و وین، همراه با تصاویر، کاری بود که همو انجام داد (نک. هانزن ۱۹۳۸: ۵؛ دومناش ۱۹۸۵: ۶۳)، اما او پس از چندی این طرح را متوقف کرد. دومناش^۹ در سال‌های بین ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۷ تعدادی از این پاپيروس‌ها و در سال ۱۹۵۲ پاپيروسی از بازل و تصحیحاتی از برخی کارهای سابق، پاپيروس‌های موزه‌ی لوور و بروکلین، نیز دو قطعه پاپيروس نوشته‌ی عربی مربوط به مصر، موجود در کتابخانه‌ی ریلند، پاپيروس‌های موزه‌ی ملی وین و ترجمه پاپيروس‌ها و پوست‌نوشته‌هایی از برلین و برخی قطعات گوتینگن را ارائه و چاپ کرد و درک بهتری از آنها به دست داد (نک. دومناش ۱۹۵۷: ۲). سال ۱۹۶۱، چندی از پاپيروس‌های فارسی میانه را پریخانیان^{۱۰} در روسیه منتشر کرد. در پی آن، مقاله‌ای از هرمتا^{۱۱} درباره برخی از پاپيروس‌ها، در سال ۱۹۷۴ در آمریکا منتشر شد. در نهایت دومناش به مطالعات ادامه داد (دریایی ۱۳۹۲: ۴۱۲؛ وبر ۲۰۰۷: ب: ۷۳۰). از کل مجموعه این نوشته‌ها تا به حال تعداد کمی منتشر شده است، به علاوه شاید در مجموعه‌های خصوصی نیز نوشته‌هایی باشد که هنوز شناخته نشده‌اند. وبر (Weber) تعداد نسبتاً زیادی سفال‌نوشته و پاپيروس را منتشر کرده است، او همچنین بسیاری از کارهای هانزن شامل خوانش و تفاسیرش را نقد و بازخوانی کرده است. گیتی آذریبی هم مجموعه‌ای از اسناد فارسی میانه را گرد آورده است که شامل ۲۶۰ دست‌نویس ابریشم و چرم است و در کتابخانه‌ی برکلی دانشگاه کالیفرنیا نگهداری می‌شود (آذریبی ۲۰۰۳: ۱۷-۲۹؛ نیز نک. دریایی ۲۰۰۴: ۱).

۴. ویژگی‌های نگارشی

در دوره‌ی ساسانی دو گونه خط شناخته شده است: یکی برای نوشتن کتیبه‌ها، اعم از سنگ‌نوشته و سکه و مهر و جام‌نوشته به کار می‌رفت و اصطلاحاً به خط منفصل مشهور است؛ این خط را به جهت شیوه‌ی نوشتن، کتیبه‌ای (lapidary) می‌نامند؛ دیگری خط تحریری یا شکسته (cursive) است که بیشتر برای نوشتن بر سطوح نرم مثل پوست، چرم، پارچه و (البته حتی بر سفال) بعدها در دوره اسلامی، کاغذ به کار رفت. به نظر می‌رسد خط کتیبه‌ای در مراحل اولیه‌ی تکوین خطی دوره‌ی ساسانی به کار می‌رفته و به همین خاطر دست‌کم تا اوایل سده‌ی سوم، بیشتر کتیبه‌ها بدان خط بوده است؛ اما این خط به تدریج متحول گشت و خط شکسته از آن تکامل یافت. مسأله‌ی مهم در خصوص این تحول و مرحله‌ی گذار است که چه زمانی رخ داده است. حد میانه‌ی این دو نوع خط، خط زبور پهلوی مسیحیان ایران و قدیمی‌ترین متن کتابی از ادبیات فارسی میانه‌ی ساسانی است. الفبای آن نزدیک به الفبای کتیبه‌ای و کهن‌تر از الفبای کتابی است و به سبب نوع خط و نگارش و خود ترجمه، مربوط به قرن چهارم میلادی دانسته شده است. در ابداع الفبای اوستایی، علاوه بر الفبای فارسی میانه، از سه حرف *z*، *d* و *γ* زبور هم استفاده شده است. از سوی دیگر در سکه‌های خسرو یکم می‌توان دید که از سال شانزدهم پادشاهی وی، برخی نویسه‌های سکه‌ها از خط کتیبه‌ای به شکسته تبدیل شده‌اند.^{۱۲} شاهد دیگر تحول خط در دوره خسرو یکم کتیبه‌های دربند بر روی دیوار شمالی این شهر است به خطی عمدتاً نزدیک به پهلوی کتابی، که به صورت عمودی از بالا به پایین نوشته شده که از ویژگی‌های خاص این دوره است؛ در این کتیبه‌ها تحول از الفبای کتیبه‌ای به کتابی دیده می‌شود؛ بدین صورت که گاه در نوشتن یک نام هر دو صورت دیده می‌شود، مثل نام داریوش، مأمور رسمی و نخستین عامل ساخت این استحکامات در آن منطقه (*Darius̄ ī* *Ādurbādagānāmārgar*)، در کتیبه شماره ۲۹، که حرف *d* و *r* آن به صورت الفبای کتیبه‌ای آمده و به قرائت نهایی درست داریوش کمک کرده است. حرف *n* کتیبه‌ای در این کتیبه‌ها در مواردی مثل کتیبه‌ی شماره‌ی ۱ در واژه‌ی سوم از سطر نخست و نیز در حرف پایانی واژه‌ی آذربادگان در کتیبه‌ی شماره‌ی ۴ در سطر سوم، واژه‌ی آخر نیز به همین شکل است. کسره‌ی اضافه‌ی *ZY* مطابق صورت کتیبه‌های ساسانی است، در حالی که در الفبای کتابی به صورت *Y* می‌آید. آمدن دو شیوه‌ی کتابت با الفبای کتیبه‌ای و شکسته بر روی اثرمهرها به خصوص اثرمهرهای سپاهبدان هم دیده شده است (چرتی ۲۰۰۸: ۱۸۴ و ۱۸۸؛ نصراله‌زاده،

زیر چاپ؛ گیزلن ۳۱، ۲۰۰۷: ۱۸۸؛ گاجیف، ۲۰۱۶). پس از خسرو یکم، برخی نویسه‌ها در نام هر مزد چهارم بر سکه‌های این پادشاه نیز به خط شکسته نگاشته شده‌اند و در دوره‌ی خسرو دوم هم، این تحول کامل‌تر شده و نام وی به صورت کامل، به خط شکسته نگاشته شده است. این نشان از این دارد که از دوره‌ی خسرو یکم اصلاح نظام خط پدیدار گشته است و به تدریج خط شکسته تغییرات بیشتری یافته و گونه‌ای از خط تحریری گشته است. احتمال دارد با توجه به این تغییرات، بتوان گفت که حتی ابداع و تکامل نهایی خط اوستایی در دوران همین پادشاه صورت گرفته باشد. این امر گویای این است که شاید در دوران تحول خط کتیبه‌ای به شکسته، اولی متروک نشده، بلکه هر دو موازی هم به جای مانده و استفاده می‌شده‌اند. شاید بتوان گفت استفاده یا عدم استفاده از یکی یا هر دو بنا به مقتضیاتی است، مانند میزان رسمیت و یا موضوع، که البته نمی‌توان آن را به قطع دانست. خط شکسته در این نوشته‌ها، گاه به شیوه‌ی هنرمندانه و ظریف‌تر نگاشته می‌شد که در این صورت (گونه‌ی) خوش‌نویسی (calligraphy) نام می‌گیرد. برخی از پاپيروس‌ها به قلم ضخیم و برخی با قلم ریز نوشته می‌شدند، مانند پاپيروس شماره ۵۶۲ از مجموعه‌ی وین که تنها بر یک رویه‌ی کاغذ نوشته شده است،^{۱۳} هر چند قلم درشت بیشتر متناسب برای نگاشتن بر سفال بوده است (بختیاری ۱۳۹۱: ۸۳). در این نامه‌ها، کوه‌نوشت فراوان و گاه نیز تکرار کلمات و جملاتی به چشم می‌خورد. گاهی این تکرار و شاید تمرین‌ها بر پشت نامه‌های اصلی صورت می‌گرفته است. بخشی از این نوشته‌ها دوزبانه هستند: فارسی میانه‌ی ساسانی - قبطی و یا فارسی میانه‌ی ساسانی - یونانی. بسیاری از آنها، نامه‌ها و اسناد دولتی هستند و متضمن موضوعاتی همچون فهرست آذوقه‌ی انبار، امور حمل و نقل و از این قبیل (و بر ۲۰۰۷ الف: ۲۵۷-۲۶۲). در پاپيروس‌های فارسی میانه مورد بحث، سال نگارش داده نشده است،^{۱۴} که بعضاً تنها دارای روز و ماه هستند؛ اما مضمون اصلیشان، مانند نامه‌های خاص، نام افراد ایرانی و نام‌های جغرافیایی متعلق به مصر، ارتباطشان را بالشکر کشیمصر مسلم می‌کند. شناخت انواع و دسته‌بندی پاپيروس‌های فارسی میانه در مصر، علاوه بر شناساندن فعالیت‌های مختلف ایرانیان در مصر و نوع تعامل و زندگی آنها که از بعد تاریخی اهمیت دارد، از نظر شناخت ادبیات مکاتباتی رایج ساسانی بسیار سودرسان خواهد بود. نامه‌های اقتصادی - به ویژه در حیطه‌ی مالیاتی - این دوره، الهام‌بخش و الگوی اولین دهه‌های اسلامی نیز قرار گرفت (نک. آذربی و دیگران ۲۰۰۲: ۲۱).

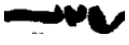
۵. ویژگی‌ها و وجوه تمایز پاپیروس‌ها با دیگر اسناد فارسی میانه

پاپیروس‌های فارسی میانه را وجود ویژگی‌هایی از بسیاری نوشته‌های متمایز آن دوره خصوصاً فارسی میانه‌ی کتابی متمایز می‌سازد. به لحاظ شکل ظاهری و بیرونی، بر شماری از نوشته‌ها اثر اتصال مهر دیده می‌شود. پاپیروس‌های ایرانی یافت شده در مصر غالباً با جوهر سیاه نگاشته شده‌اند و در گوشه‌ی راست بسیاری، در پایین یا بالا سوراخی برای گذراندن رشته‌ای که مهر یا گل‌مشته (توده‌ای گلین دارای چند اثر مهر) بدان متصل می‌شده، داشته است (نک. آذربی ۲۰۰۲: ۱۸۱؛ برای مهر و اثرمهر هم نک. گیزلن ۱۳۸۴: ۲۷). مهرهای گلی نوشته‌ها و یا طرح‌هایی را داشتند که یا به کالا متصل می‌شد تا محتوای ظرف، نام صاحب آن و مسایلی از این قبیل را اعلام دارد و یا به نامه‌ها (و پاپیروس‌ها) وصل می‌شد تا اعتبار و محفوظ ماندن مضمون نامه‌ها را تضمین کند. از طریق مهرها و گل‌مشته‌ها، به اطلاعاتی مهم چون نام، نام‌تبارشناسی، سمت‌ها و القاب دیوانی، نام‌جای‌شناسی و تاریخ و نیز تحقیق سیر خط و زبان می‌توان دست یافت. پاپیروس‌های این دوره، به ویژه پاپیروس‌های فارسی میانه به دست آمده از مصر حاوی نام‌ها، عناوین و القابی هستند که می‌توان با مهرها و گل‌مشته‌ها سنجید و نواقص هر یک را با دیگری برطرف نمود. اما اهم این تفاوت‌ها در حوزه‌های شکل نویسه (حرف و واژه)، نحوی و معنایی است و از این جهت که دو رویکرد موازی اما با اختلاف‌هایی چشم‌گیر در یک بستر زمانی دیده می‌شوند بسیار قابل تأمل است. به چندی از آنها به عنوان نمونه اشاره می‌شود:



۱.۵ شکل نویسه

۱.۱.۵ حرف‌ها

وجود نوع دومی از «ت» در پاپیروس‌ها، که در مهرها و سکه‌هایی هم که دارای خط شکسته هستند، دیده نمی‌شود، قابل اشاره است. در پاپیروس‌ها این حرف به صورت <𐎠> در کنار صورت معمولی و کتابی <𐎠> آوانویسی می‌شود. عدم تشخیص آن در ابتدا، باعث غلط‌خوانی برخی واژگان چون شبه‌هزوارش p𐎠 به صورت (PWN) در پاپیروس‌ها می‌گشت. <𐎠> معمولاً در شناسه‌های هزوارش‌ها و برخی واژگان مانند

پاپیروس شماره ۴ (یا ۱۶.۴۹۶) سطر ۲ از مجموعه‌ی فیلادلفیا آورده می‌شود: <ل> در واژه‌ی (pt-š) :  سنج. <ص> در واژه‌ی (d'št) .



دیگر ویژگی شکل‌های نویسه‌ای، در ساده‌شدن برخی از آنهاست، به ویژه در محل اتصال حرف‌ها؛ یکی از این موارد، ساده نوشته شدن <š> است. در این اشکال می‌توان هزوارش واژه‌ی <šNT>/<šNT> برای فارسی میانه (sāl): «سال» را دید. سند شماره ۱، سطر ۴، صورت سالم‌تر  و سند شماره ۳، سطر ۳ صورت ساده‌شده‌ی آن  را نشان می‌دهد.

۲.۱.۵ واژگان

در پاپیروس‌ها، واژگانی چند که در صورت کتابی، کامل نوشته می‌شوند، به صورت کوتاه-نوشت آمده‌اند، مانند namāz که در پاپیروس‌ها خلاصه شده به nc و یا هزوارش فعلی YHBWN- برای فعل فارسی میانه‌ی (dādan): «دادن» اشاره کرد که شناسه‌ی صرفی ایرانی آن حذف گشته و صورت ساده‌ی آن یعنی YHB- نوشته می‌شود. یا واژه‌ی KYNA برای صورت فارسی میانه‌ی gōspand که به صورت کوتاه‌شده‌ی KYN نوشته می‌شود (ویر ۲۰۰۳: ۱۸۹؛ برای واژه nc در پاپیروس‌ها همچنین نک. زینی ۲۰۱۵: ۶۹-۷۲).

۲.۵ نحو

در فارسی میانه‌ی کتابی، معمولاً برای واژه‌ی «خدای»، از صورت hwt'y استفاده می‌شود اما در پاپیروس‌ها، بر اساس پاپیروس‌های شماره ۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۳۲۷، ۱۳۷، واژه‌ی x^wadāy، دارای نویسه‌ی <k> است و به صورت hwt'yk' نوشته شده، که ابتدا به غلط آن را همان «خدای» می‌خواندند. اما قیاس میان پاپیروس‌های بیشتر و ملاحظه‌ی تفاوت خط و نگارش و نیز نحوه‌ی قرارگیری آن، سبب این تشخیص شد که این واژه کاربرد صفتی دارد، پس این صفت نمی‌تواند جایگزین صورت هزوارش (/x^wadāyMR HY/) شده باشد و تدریجاً

خوانش «خدایی» (x^wadāyīg) میسر شد. این واژه در هنگام خطاب، پیش از اسم گیرنده می-آید و در اصل صفتی است که به جای اسم می‌نشیند و معنی «خدایی/خدایوار» دارد. چند نمونه در زیر آورده می‌شود:

پاپیروس ۴۱۴ از مجموعه وین:

«بر خدایوار، رشن، نماز» 'L hwṭ'yk' lšnw nc

پاپیروس ۱۳۶ از مجموعه برلین:

«بر خدایوار، یزدانکرد، نماز» 'JL hwṭ'yk' yzd'nrkṭ nc

این صورت در فارسی میانه کتابی دیده نمی‌شود و تنها یک استثنا در پاپیروس ۲ لوس آنجلس سطر ۱ هست که صورت کتابی x^wadāy آمده است. ویژگی نحوی دیگر پاپیروس‌ها، نحوه‌ی نوشتن دو پایانه‌ی سوم شخص است. این دو پایانه یا شناسه فعلی در پاپیروس‌ی شماره ۸۳، سطر ۴ از پاپیروس ۶۵، سطر ۳ از پاپیروس ۵۴، سطر ۲ از پاپیروس ۵۲ و نیز در شماره‌ی ۸۶ دیده می‌شوند. یکی (ty-) به جای شناسه ضماری که با (-ēd) در فارسی میانه کتابی به کار می‌رود، آمده است؛ نیز در پاپیروس ۷۴ در سطر ۴-۵ از پشت صفحه چنین نوشته شده است: ('y 'BYDWNty/ ō man nāmag-ē) 'L L n'mk' kunēd) به معنی «به من نامه‌ای بنویسید» (فعل آن، دوم شخص جمع و امر kunēd است) و دیگری (-tny) که در سطر ۳ از پاپیروس ۶۹ و نیز سطرهای ۱-۲ از پاپیروس ۸۱ واضح‌تر است و از نحو خاص در این دو پاپیروس برمی‌آید که خوانش آن (-tan) و یا - (dan) برای مصدر باشد؛ در پاپیروس ۶۹ سطر سوم این گونه به کار رفته: 'wtln'mk' (YNSBWNtny/ widarnāmag stāndan) به معنی «گذرنامه ستاندن» آمده است. در دو مورد دیگر، سطر ۱۰ بر پشت صفحه از پاپیروس ۱۹ و سطر ۶ از پاپیروس ۸۰ این افزونه استفاده شده اما این مفهوم و کاربرد در آنجا مشکل‌ساز شده است. به نظر می‌رسد منشأ این دو پایانه، از صورتی کهن‌تر باشد چنان که، (*-ati) -ty برای سوم شخص مفرد مضارع و -tny (> فارسی باستان: -tanaiy) برای مصدر است. در زمینه‌ی حرف اضافه در فارسی میانه (کتابی)، چهار حرف اضافه‌ی بسیار رایج این زبان: az (از)، ō (به، برای)، pad (نزد، به، برای) و rāy (به علت) را باید نام برد که از میان آنها ō و pad در پاپیروس‌ها کم‌کاربردتر و به ویژه در سفال‌نوشته‌ها اندک شده‌اند (وبر ۱۹۹۲: ۲۳۲).

۳.۵ مضمون

در پاپيروس‌ها با تعاریف و مفاهیمی نو برخورد می‌شود که کاملاً به زندگی عملی و روزمره، نزدیک بوده و با واقعیات و مفاهیمی ارتباط دارد که بیانگر نوع نظارت و ارتباط ایرانیان با بومیان مصر است. از این نوع می‌توان به اصطلاحات و واژگانی اشاره کرد که به کاربرد واقعی واحدهای اندازه‌گیری و سنجش مواد، فواصل و از این قبیل مربوط است، چون قیراط (kyl't/ kīrāt؛ صورت یونانی: χεράτιον) و یا لگن (lagnag / lagnag؛ صورت یونانی: λεχάνη). نام افراد آمده در این نوشته‌ها غالباً زردشتی و در متون دیگر چون متون کتابی پریسامد هستند ولی دو یا سه نام از آنها از نام‌های سامی است و نشانگر ارتباط اقتصادی ایرانیان با مردم مصر، مثل: ساموئل (šmwyl / šamuēl)، ابراهام (?/abraham) و نصرانی (ncylk/ nazrīk). نام شهرهای مصر با شکل یونانی آنها مثل هرموپولیس (hlmwplwlys) شهر ایزد هرمس، در امتداد نیل و مصر علیای باستان) اکسیرینخوس (kwsylnkws) در مصر علیا و نزدیکی نیل). علاوه بر این، در پاپيروس‌های فارسی میانه در مصر، به وجود برخی مقامات دیوانی اشاره شده است. یکی از این مناصب، منصب «شهرآلان‌یوزان» (šahr-ālānyōzān) است که برای نخستین بار در متون ایرانی به چنین منصبی اشاره شده است. به دلیل این که داده‌های پاپيروس‌ها محدود است، درباره‌ی آن نمی‌توان با یقین شرحی داد. نام وی در چند پاپيروس فارسی میانه، مثلاً در پاپيروس شماره ۵۸ از مجموعه‌ی لندن، پاپيروس ۵۷۷ از مجموعه‌ی وین، پاپيروس شماره ۱۷۲ از مجموعه‌ی برلین، پاپيروس شماره ۲۱ از مجموعه‌ی هایدلبرگ پاپيروس یونانی شماره ۳۶۳۷ (صورت یونانی آن: Σαρραλανεοζῶν) آمده است. مَهر شهرآلان‌یوزان حکم اعتبار و رسمیت بالاترین مقام رسمی ساسانی در مصر را داشت. بنا بر برخی اسناد یونانی مربوط به شهر اکسیرینخوس شماره ۳۶۳۷ و شماره ۳۷۹۷ که به یک مقام ارشد برای جمع‌آوری مالیات اشاره شده و در آنها سعی شده با خط یونانی یک واژه فارسی میانه را بازگو کنند و قیاس آنها با پاپيروس‌های ایرانی ذکر شده، می‌توان آنها را بر هم منطبق دانست. از اینجا می‌توان گفت که این مقام، احتمالاً مقام مالیاتی بوده است. بر اساس نامه‌های یونانی، شهرآلان‌یوزان چند کارمند یا عامل ایرانی و بیزانسی و نیز سربازانی در اختیار داشته است که در کار گردآوری و انتقال مالیات نقدی، جیره سربازان و تامین علوفه‌ی مرکب سربازان همکاری داشته‌اند. برخی از این عوامل یا کارمندان، با لقبی رومی ذکر شده‌اند که این نشان‌اقتباس واژگان و اصطلاحات بیزانسی است. برای مثال فردی به نام خسرو، از کارمندان امور مالی

شهرآلان یوزان با لقب بیزانسی (chartularios/ χαρτουλάριος) ذکر شده است که این تنها نمونه از برگرفتن القاب بیزانسی برای مقام‌ها و یا کارمندان ایرانی در مصر نیست (برای نمونه‌های بیشتر از این القاب بیزانسی ایرانیان، نک. سنگر ۲۰۱۱: ۶۵۷).

از نحوه‌ی مخاطب قرار دادن شهرآلان یوزان با القابی مانند (xwadāy): «خدا، سرور» که برای او به کار برده شده و یا مهر و مجوزهایی مانند گذرنامه (wīdar-nāmag) که بر اساس این نامه‌ها، وی می‌توانسته صادر کند، چنین برمی‌آید که این لقب کمتر آشنا برای سمتی بسیار بالا، با اختیارات گسترده، مانند تأمین تدارکاتی برای ایرانیان در مصر به کار می‌رفته است. منطقه نفوذ نامبرده از فیوم تا جنوب مصر بوده است. در سطر ۱ پوست‌نوشته ۱۷۲ از مجموعه‌ی برلین این چنین آمده است: (šahr-ālānyōzān) [ō] kārframān ī dar tā: «به کارفرمای دربار، به شهر آلان یوزان» (و بر ۲۰۰۲: ۱۹۱). دو مناش عبارت kārframān ī dar را در پیرو س شماره ۲۱ از مجموعه‌ی هایدلبرگ، «کارفرمان دروازه» یا همان فرمانده نظامی معنی می‌کند و برای این مدعا هم دلایلی چون کتیبه‌ی شاپور یکم در حاجی آباد آورده که این مقام را در کنار مقامات بالای اطراف شاه قید کرده است (دو مناش ۱۹۸۵: ۱۷۱). نام وی مانند نام‌های مشابه دیگر که با شهر (šahr) شروع می‌شوند، مانند شهر وهرز (šahr-wahrēz)، شهر پلنگ (šahr-palang) و شهروراز (šahr-warāz)^{۱۵} است که لقب چند سردار و سپاهبد ساسانی بوده است. شهر به معنی کشور و ترکیب با آن، لقب و عنوان می‌ساخته است و نشانگر به دست آوردن منصب به دلیل لیاقتی که در موقعیت‌های ویژه‌ای، کسب می‌کرده‌اند، است؛ بخش دوم را در واژه‌ای مانند razmyōz می‌توان دید، به معنی «جنگجو، مشتاق جنگ و حریص نبرد»؛ آن را شاید بتوان با ریشه‌ی فعلی -yauz به معنی «شوریدن و تاختن» مرتبط دانست. بنابراین واژه‌ی ālānyōz هم می‌تواند «جنگنده با آلان‌ها»^{۱۶} معنی دهد و احیانا شاخه‌ای ارمنی از شاهزادگان ساسانی را در برمی‌گیرد (و بر ۱۹۹۱: ۲۳۵-۲۳۸؛ نیز بختیاری ۱۳۹۱: ۸۷؛ جلالی پور ۲۰۱۴: ۹-۱۱). به لحاظ شغلی، شهرآلان یوزان شخص درجه یک و عامل دولت ساسانی در مصر اشغالی است که هم وجهی نظامی (به عنوان افسر عالی رتبه - ی ارتش) داشت و هم وجهی اقتصادی. او با نظارت بر نهادهای مختلف اداری، اقتصادی و نظامی (در بخش اداری از مناصب بیزانسی معتمد هم مدد می‌جست) مصر را اداره می‌کرد. حوزه‌ی قدرت و اختیارات وی، همان دو دغدغه‌ی اصلی فاتحان ساسانی بود، گردآوری مالیات و تأمین مواجب سربازان، که این مقام، وظیفه‌ی هر دو را بر عهده داشت (نک. سنگر ۲۰۱۱: ۶۶۳).

۶. قالب پاپیروس‌ها

طرح نامه‌ها از اصلی کهن سرچشمه می‌گیرند که از سنت نامه و سندنویسی دوره‌ی هخامنشی (با منشأ آرامی) است.^{۱۷} آنها به صورت قاعده و الگوی خاص الف، ب و ج، ریختارهای سنتی و ثابتی دارند. بیشتر نامه‌ها از همین الگو پیروی می‌کنند و تنها دارای پیام کوتاهی هستند (و بر ۲۰۰۸ ب: ۸۰۴). صورت عمومی این نامه‌ها شامل این سه بخش است:

الف: خطاب، سلام و تکریم

ب: متن و منظور پیام

ج: خطاب (با تکرار بخشی از بخش الف به صورت مختصر)

بخش الف شامل سلام به مخاطب، سپس عناوین و مناقب وی، جملات ریختاری احوال‌پرسی و سپس نام گیرنده است و در آن مخاطب اغلب «خداوند (یا در بازخوانی پاپیروس‌ها: خدایوار) / سرور» خطاب می‌شود و با آوردن عبارتی مربوط به احترام (namāz، به شکل کوتاه‌نوشت **nc**) به پایان می‌رسد. این بخش می‌تواند با عبارات سبکی بیشتری، بسته به مضمون و نوع نامه طولانی‌تر گردد. بخش ب پیکره‌ی اصلی پیام و منظور فرستنده است. این بخش بدون فاصله نسبت به بخش الف و دارای عباراتی ثابت است که بیشتر به موضوع تندرستی نویسنده و گیرنده، دستور برای توزیع جیره و نقل و انتقال و یا دریافت و پرداخت مواجب یا کالا می‌پردازد. قطعاتی که بخش پیام‌شان کامل باشد، بسیار کم هستند. بخش ب را به صورت نسبتاً مبسوط می‌توان در نامه‌هایی مانند پاپیروس شماره ۴۴ و شماره ۸۰ دید. بخش ج با فضای خالی‌ای از متن اصلی جدا شده و در بردارنده‌ی تکرار متفاوتی از خطاب بخش آغازین بوده، به صورت کوتاه و ساده، با سلام و احترام به گیرنده به پایان می‌رسد. به دنبال آن، نام و نام خانوادگی فرستنده است. این بخش گاهی اوقات با عبارتی کلی به پایان می‌رسد. سه بخش طرح یادشده را می‌تواند پاپیروس بیست‌ودو خطی شماره دو مسکو دید، گاه حتی در نوشته‌های کوتاه‌تر هم این بخش‌ها، برای مثال در پاپیروس ۲۸۷، قابل تفکیک است. برای دو بخش الف و ج که ریختاری نسبتاً ثابت و همگون دارند، نمونه‌هایی داده می‌شود:

بخش الف:

پاپیروس شماره ۱۹، سطرهای ۱-۲:

ō xwadāy Yazdān-xusrō [/ namāz fr- [] drōd w[as] ..

«به خداوند (= سرور) یزدان خسرو.. نماز... درود بسیار...»

پاپيروس شماره ۴۴، سطرهای ۱-۲:

ō yazdān-ayād Burz-ādurnamāz

«به [آن که] در یاد ایزدان [است]، برز آذر... نماز»

بخش ب^{۱۸}:

پاپيروس شماره ۱۹، سطر ۳-۴، این بخش معمولاً عبارت «نویسم» و یا «نامه کنم» را دارد مانند این بخش:

ō ašmāxīr ī^۲ / 4. rāy nibēsēm ān frawardag ud / 5. I az šahr^۲ ī.....

بخش ج:

پاپيروس شماره ۷۱، سطرهای ۱-۳:

ō yazdā[n-a]jyād / Dādrōy ī az Xusrōdādān namāz

«به [آن که] در یاد ایزدان [است] / دادروی، از خانواده‌ی خسروداد نماز»

۷. دسته‌بندی کلی نامه‌های فارسی میانه

این پاپيروس‌ها را بر اساس مضمون اصلی آنها به چند دسته تقسیم می‌کنند. دومناش (۱۹۸۵:۱۶۳) تقسیم‌بندی ساده و مختصری از پاپيروس‌های فارسی میانه دارد: «شخصی، نظامی و اقتصادی». اما وبر تقسیم‌بندی زیر را می‌دهد:

۱.۷ نامه‌های شخصی

نامه‌هایی هستند که در بردارنده‌ی مناسبات خویشاوندی‌اند، شامل احوال‌پرسی از عضو یا اعضای خانواده، مانند پاپيروس‌های شماره ۴۴ و ۱۸ (از مجموعه‌ی گوتینگن) و پاپيروس شماره ۵۷۱ که این مورد اخیر نمونه‌ی خوبی از الگوی نامه‌نگاری‌ای است که در متن آیین نامه‌نویسی ذکر شده و یکی از معدود پاپيروس‌هایی است که در هر دو روی آن با دو دستخط متفاوت نوشته شده است. در این پاپيروس، آغاز نامه و سطر ۱ (بخش الف) با فاصله‌ی خالی زیادی نسبت به بالای پاپيروس نوشته شده است (وبر ۲۰۰۷: ۷۳۲؛ وبر ۱۹۹۲: ۲۳۴). این سند خصوصی، نامه‌ی شخصی به برادرش است.

روی صفحه:

ō yazdān-anōšbaxt brād / 2. Rašn namāz ... ud drōd / 3. -r-

برگردان:

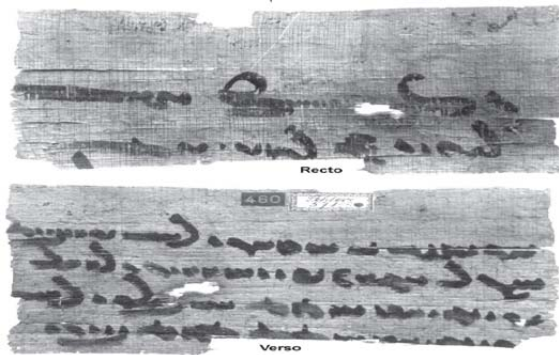
« ۱- به [آن که دارای] بخت جاوید [از سوی] ایزدان [است]، برادر[م]، ۲- رشن، نماز... و درود...»

پشت صفحه:

āgāhlh ī x^wadāy rāy nibēsēm/ 2.kū man ka-z pad.../3.hēm ēbārag rāy / 4. [- - -]

برگردان:

۱- «برای آگاهی خداوند (=سرور) می نویسم ۲- که من ... ۳- غروب...»



تصویر ۱. پاپيروس شماره ۵۷۱

۲.۷ نامه‌های دیوانی یا رسمی

نامه‌های دیوانی یا رسمی برای صدور فرمان‌هایی به عوامل ایرانی در مصر، و شامل شامل نامه‌هایی (قضایی) برای تظلم، اسوارنامه (aswār-nāmag)، ایدگارنامه (ayādgār-nāmag) و گذرنامه (widar-nāmag) است (نک. وبر ۲۰۰۵؛ بختیاری ۱۳۹۱: ۸۷). در این میان، نامه‌های رسمی بسیاری نیز هستند که نمی‌توان در دسته‌بندی مجزایی قرارشان داد. فهرست‌هایی متفاوت چون فهرست جیره‌ی روزانه‌ی سراها و خانواده‌ی افراد سرشناس مانند پاپيروس شماره ۱۴۰، نوشته‌هایی از موضوعات جغرافیایی مانند پاپيروس شماره ۱۴۸ (وبر ۲۰۰۵) از این گونه‌اند. گاهی نوع نوشته‌ها در یک نامه در هم می‌آمیزند مثلاً در پایان اسوارنامه‌ای، موضوع نامه شخصی می‌شود (وبر ۲۰۰۸: ۹۰۳).

۱.۲.۷ نامه‌های قضایی

پاپيروس شماره ۵۳۸ از پاپيروس‌های مجموعه‌ی وین، که شامل یک متن تقریباً یکسان در دو طرف (با دو شیوه‌ی نگارشی) که به امور قانونی اشاره کرده، روی صفحه، سطر ۳: واژه دادستان (dādestān) به معنی «روند قانونی یا حکم»، آمده و در آن نامه ظاهراً اشاره‌ای است به تحریفی در حکم قانون، پشت صفحه، سطر ۸: عبارت (drug guft): «دروغ گفت» آمده است. پاپيروس شماره ۴۵ (نک. وبر ۱۹۹۲: ۱۵۰) نوعی بیانیه است درباره آسیاب کردن محصولات زراعی، در حالی که پوست‌نوشته شماره ۸۱، نوعی نامه‌ی حمل و نقل است (وبر، ۱۹۹۱)، که با مهر و موم مقام سطح بالا پیوست شده است. دو سند متصل به هم بر روی پارچه، که گل‌مشته‌ای آنها را به هم وصل می‌کند، مربوط به اوایل دوره‌ی اسلامی است که به نام اسناد طبرستان شناخته می‌شود. این سند دوتایی، شامل برگه‌ی شکواییه (سند پایین) و پاسخ آن (سند بالایی) است. دو بخش آن با سند الف و سند اب شناخته می‌شوند (نک. گیزلن ۲۰۱۲: ۹۷-۹۸).

سند (الف) و (اب) از اسناد طبرستان

الف:

1.ō anōšyād Āzād-xusrōy namāz / 2. Farrox-abzūd drōd was padīrift ī / 3. dād sāxt nāmāg (ī) xwēš har(w) / 4. ān pādixšāy hamāg dūdāg ī sarw ī sarān / 5. az Askenrad deh xwad ēn kē / 6. rahīg dād dādestān hamāg az ān Askēnrad / 7. deh pēš tō andar abāyēd čak / 8. rasīd ēn nāmāg sāxtan ī ōy / 9. garzišn rahīg dādestān abāg / 10. awēšān ī garzēd pad māh Wahman ī / 11. nāmāg sāxt ō ān māh pēš pēš ī / 12. [sāxt] ud rasīd nāmāg māh Day / 13. abar sāl 86 ud rōz Māh kard

برگردان:

به آن که یادش جاودید [است]، آزادخسرو، نماز! / ۲. فرخ‌افزود، درود بسیار-دریافت شد آن / ۳. نامه‌ی تنظیم‌شده را که داده است. او، همه جایز [است] / ۴. [درباره] خانواده-ی آن سرو سران / ۵. از ده اسکینرد. آن خواهر(م) که / ۶. همه‌ی قضاوت به خادمش داده شده از ده اسکینرد / ۷. پیش تو، لازم است نامه / ۸. سند رسید؛ این نامه برای زسیدگی به / ۹. شکایت خادم با / ۱۰. آنها که شاکی هستند، در ماه بهمن / ۱۱. تنظیم شد، این نامه یک ماه پیش از / ۱۲. تنظیم و رسیدن نامه در ماه دی رسید / ۱۳. در سال ۸۶ و روز ماه (روز دوازدهم ماه) هم انجام شد.

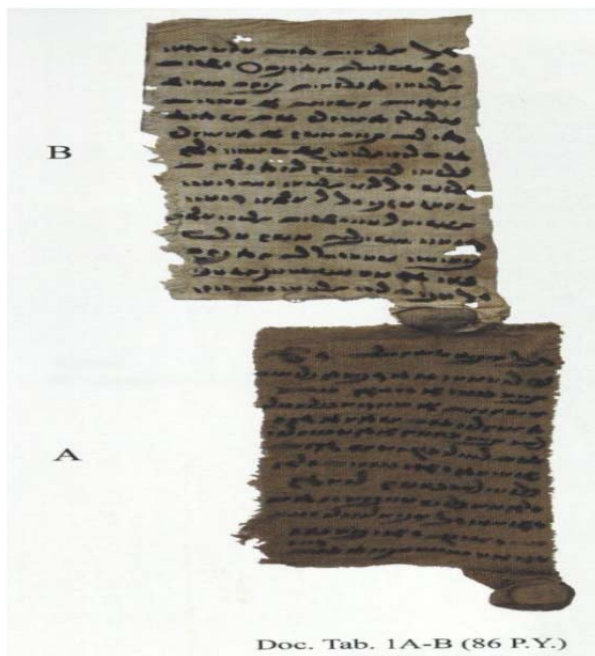
اب:

1. *ō hērbēd ī x^wadāy Farrox-abzūd* / 2. *namāz Āzād-Xusrōy drōd was ō nāmag ī* /
3. *hērbēd az garzišn ī mardān ī Yazdān-tōhm* / 4. *zan-ēw pādixšāy ham dūdag ī* / 5.
Sarsarān az Askēnrad deh agar čiš / 6. *kē rāy mardān dādestān ham az Askēnrad* / 7. *deh*
pēš hērbēd andar abāyistān ōy / 8. *garzišn rahīg dādestān abāg awēšān ī* / 9. *garzēd ō pēš*
hērbēd weh kardan / 10. *abārīg- iz ān xīr ō man framūd kardan* / 11. *Zādān-farrox pad*
nāmag ī hērbēd framūd / 12. *kardan dastwarīh dādestān frāz* / 13. *xwāst ān pahikār rāy ēn*
māh / 14. *Day abar sāl 86 rōz Tīr* / 15. *ō ān bē pēš hērbēd weh kard*

برگردان:

به سرور هیربد، فرخ‌افزود / ۲. به آزاد خسرو نماز! درود بسیارنامه‌ی / ۳. هیربد در پی شکایت مردان یزدان‌تخم / ۴. پادشازنی از آن خانواده / ۵. سرسران، ده اسکینرد، اگر چیزی هست / ۶. که به خاطرش وکیل‌ها [دادستان‌مردان = مردان در کار قضاوت]، / ۷. نیز ده اسکینرد را نیاز به تصمیمی باشد پیش هیربد / ۸. این خدمتکار اصلاح کنیم / ۱۰. در دیگر موارد نیز آن امر را به من [محول] فرمود / ۱۱. چنان که زادن فرخ در نامه‌ای که فرمان / ۱۲. به انجام آن داد. دستوری قضاوت درباره / ۱۳. قضاوت این نزاع را خواسته بود در ماه / ۱۴. دی در سال ۸۶، روز تیر (روز سیزدهم ماه) / ۱۵. برای همین آن را پیش هیربد به خوبی انجام داد.

به نظر می‌رسد این هر دو نوشته را در همان سال ۸۶ نگاشته باشند و مشخصاً نوشته -ی (۱ ب) پاسخی به (۱ الف) است. موضوع آن جالب اما درک کامل آن دشوار است. به نظر می‌رسد خدمتکاری از چیزی شکایت داشته که مشخص نشده است و دیگران هم مدعی آن بوده‌اند، به هر روی، تاریخ‌های معین روز و ماه و سال، نشانگر ابلاغ حکم برای حل دعوی است، به نظر می‌رسد که این روند یک ماه به طول انجامیده است. این متنی رسمی و قانونی مبنی بر شکایت (garzišn) است (ژینیو ۲۰۱۲: ۳۶-۴۰).



تصویر ۲. پاپيروس الف و ۱ ب، طبرستان

۲.۲.۷ گذرنامه

گذرنامه، مجوز عبور رسمی است که برای همه‌ی افراد به صورت شخصی و برای تاجرانی که قصد حمل کالا را چه بر آب (به ویژه نیل)، چه خشکی داشتند، صادر می‌شد. این گذرنامه‌ها با نامه‌ی دیگری، مانند پاپيروس ۲۹۵، پیوست می‌شد که معمولاً با هم بودند. این نوع نامه با مهر یا گل‌مشته‌هایی خاص، مانند پاپيروس شماره ۱۳۷، بوده‌اند، و نیز اعلام بازدیدها و زمان حضور مقامات مانند پاپيروس شماره ۱۳۶. یک نمونه‌ی گذرنامه در اینجا آورده می‌شود:

پاپيروس شماره ۶۹

sad lagīnag pad makōg-ē / 2 . padīrēd ud az xwadāyīg / 3. widarnāmag stadan / 4. rāy
az man ō xwadāyīg / 5. nāmag xwāst

برگردان:

صد لگن^{۱۹} را بر کشتی‌ای / ۲. بپذیرد (=دریافت کند) و / ۳. از خدایوار گذرنامه بستاند / ۴. از من به خدایوار / ۵. نامه‌ای خواسته [شده که نوشته شود]



تصویر ۳. پاپيروس ۶۹

۳.۲.۷ یادگار

ایادگار یا تفاهم‌نامه‌سند اقتصادی قانونی و بیشتر متضمن مسایل اقتصادی، مالی و حقوقی است. با این حال، عملکرد دقیقش را نمی‌توان توصیف کرد. اسناد متعدد نشان از به اصطلاح‌بایگانی پهلوی^{۲۰} دارد که در آن «چک»، فارسی میانه (čak) رسید یا ضمانت، وجود داشته است. معمولاً برای الحاق آنها گل‌مشته‌ای وجود داشت که اثر یا نوشته‌ی یک یا چند مهر بر آنها حک می‌شد. نمونه‌هایی از این دست مربوط به تصرف مصر نسبتاً پراکنده هستند. از این دسته پاپيروس‌های شماره ۴ و شماره ۱۵۲ و ۳۱۷، چرم‌نوشته ۳۷۳ الف از مجموعه‌ی وین، قطعه پاپيروس شماره ۱۸۸ از برلین و پاپيروس شماره ۷۰ از وین، در نه سطر که کاملاً سالم به دست آمده است. چرم‌نوشته ۳۷۳ الف، متن حقوقی‌ای است که واژه-ی ایادگار در نخستین سطر آن آمده و در اینجا آورده می‌شود (بختیاری ۱۳۹۱: ۷۸ و ۸۲). کتابخانه‌ی ملی اتریش سندی دیگر را هم در اختیار دارد که به رغم آسیب و از بین رفتن بخشی از آن، از همین نوع ایادگار است. این چرم‌نوشته شماره و شناسه‌ای ندارد و تنها تصویری از آن را نیکیتین (Nikitin) تهیه کرده است (وبر ۲۰۰۲: ۱۸۶). این نوع در میان سه دسته‌ی اسناد اقتصادی پس‌اساسانی که از مجموعه برلین اخیراً منتشر شده هم دیده می‌شود. این سندها بسیار به پاپيروس‌های ایرانی در مصر شبیه هستند، مانند (سندهای شماره ۱۳ و ۳۴) که ویژگی‌های ساختاری و طرح متن آن به همین دسته است. در سند شماره ۱۳، سطرهای ۳-۵، ایادگار روی چک نوشته شده است:

čak kē ēn / ayādgār awiš wirāst / ud nibišt ēstēd

«چکی که این ایادگار بدان ویراسته و نوشته شده است»

در سطرهای ۲-۳ از سند شماره ۳۴، چنین داده‌هایی راجع به رسید آمده است:

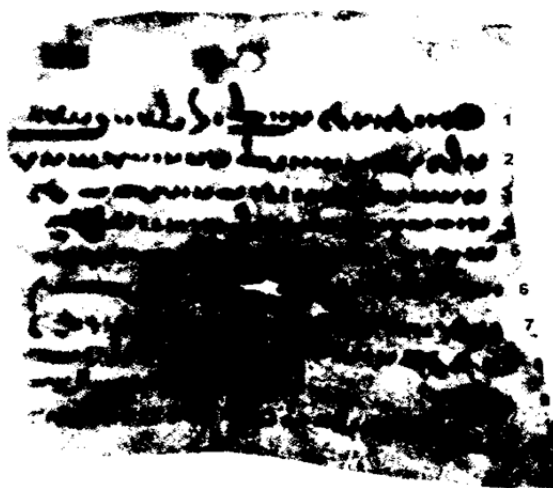
(...pādīrāy kē ēn / ayādgār awiš wirāyišn nibišt ēstēd): «...اعلام وصول که این / ایادگار بر آن ویرایش (شده) و نوشته شده است». این بخش که با kē عبارت تابع و وصفی را آغاز می‌کند برای ساختار بسیار مهم به نظر می‌رسد و ریختاری را برای نوشتار (ayādgār) ارائه می‌کند؛ به جز آن در سندی از مصر مربوط به سال ۶۲۵ این چنین خوانده می‌شود: (tan kē ēn ayādgār ō gilēnag bast): «آن تن که این ایادگار را با گلینه بست».

چرم‌نوشته شماره ۳۷۳ الف

tan kē ēn ayādgār ō gilēnag bast / 2. Farroxzād ī gundsālār guft kū u-šān ān / 3. Gušnaspdād jāmag 30 tā asawār ī az / 4. gund ī pad dēnār-20(?) I (?) manzan / 5. u-šān ō Spāhān šud ud.... / 6. tā ō [] az jawēn 1/2 / 7. ud jāmag-(?) az ān Gušnaspdād harw frēstād čē / 8. im rōz sāl 35 tā rōz Anagrān ī / 9. mäh //// rasīdan rāy ud kardan rāy / 10. gilēnag pad muhr ī šahr-ālānyōzān

برگردان:

۱. آن تن که این ایادگار را با گلینه بست / ۲. (یعنی) فرخزاد گندسالار گفت که به آنها آن / ۳. گشنسب‌داد ۳۰ جامه تا سواری از / ۴. ارتش به ازای ۲۰ دینار...زن / ۵. و آنها به سپاهان رفتند و ... / ۶. ...به... از جوین ۱/۲ م / ۷. و جامه از آن گشنسب‌داد همه فرستاده شد، چه / ۸. امروز، سال ۳۵، روز انگران (روز سی‌ام) / ۹. ماه...برای رسیدن و انجام کار / ۱۰. این گلینه با مهر شهر آلان یوزان مهر شد.



تصویر ۴. چرم‌نوشته شماره ۳۷۳ الف

در این سند چند نکته‌ی مهم وجود دارد: سند حاضر، برای نخست بار واژه‌ی گلینه (gilēnag) را که قبلاً در منابع دست اول خوانده نشده بود، ارایه می‌کند (و بر ۲۰۰۲: ۱۸۹). واژه‌ی (gundsrd'1/gundsālār) در بسیاری از اسناد مصری دیده می‌شود به معنی «فرمانده‌ی ارتش». این واژه در سطر ۱ پاپيروس شماره ۲۸۷ از مجموعه‌ی وین و سطر ۱۲ پاپيروس شماره ۱۰۹ از مجموعه‌ی گوتینگن هم آمده است (و بر ۲۰۰۲: ۱۹۱).

۴.۲.۷ اسوار نامه

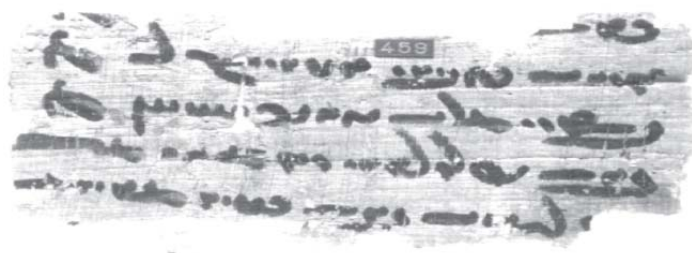
اسوارنامه یا نامه‌ی نظامی نمونه‌های گوناگونی دارد. این نامه‌ها شامل فرمان‌هایی به سربازان، مانند پاپيروس شماره ۱۱۰ درباره بردن چیزی به ناحیه‌ی لیکوپولیس و به فرماندهان، راجع به توزیع غذا و امثال آن است، مانند پاپيروس شماره ۵۷۲. این نوع می‌تواند درباره‌ی مالکیت و هدایا باشد یا به عبارت دیگر می‌تواند به دسته‌ای سند یا نامه‌ای اطلاق یابد که در آن مطالبی راجع به مزایا و مواجب افراد نظامی (pāymār-baxtag) یا مسایلی مربوط به سپاه (gund) آمده است؛ مانند پاپيروس شماره ۵۷۰ از مجموعه وین (قابل مقایسه با پاپيروس شماره ۱۴۱ از مجموعه‌ی برلین). قطعه ۷ سطری شماره ۸۸۰۴ از مجموعه‌ی برلین، متن نظامی‌ای است که عبارت «اسوارنامه» (aswār-nāmag) در آن آمده است و نامه‌ای است به شخصی به نام یزدان‌یاد (Yazdān-yād) (بختیاری ۱۳۹۱: ۸۲؛ و بر ۲۰۰۸: ۸۱۵؛ همو ۲۰۰۷: ۷۳۶). نمونه‌ی روشنی از این دست از کتابخانه دانشگاه بازل پاپيروس شماره ۵۵ است که به ارایه‌ی آمار سربازان گردآوری شده از مصر پرداخته است. پاپيروس ۱۳۶ شامل پیام به مقامی رسمی به نام یزدان‌کرد (Yazdānkard) است که در یک روز خاص از فرمانده ایرانی انتینوئه (Antinoe) به نام (šahr ālānyōzān) می‌خواهد محلی خاص برای دیدار با شخصیت‌ها آماده کند، احتمالاً بحث درباره‌ی گرفتن مالیات بوده باشد. در پاپيروس ۱۳۷ اشاره به استواران و گذربانان اکسیرینخوس (Oxyrhynchus) تا توفیس (Touphis) و کشتی غلات شده است و دستورهایی راجع به کشتی غله به تاجری یهودی به نام ساموئل تا ممانعتی در این باره ایجاد نشود. پوست‌نوشته شماره ۳ نیز باید تحت عنوان نامه‌های نظامی طبقه‌بندی شود چرا که تنها سند خارج از مصر است که اشاره به نامفرمانده نظامی دلتای نیل دارد به نام (šahr warāz). پاپيروس ۵۷۲ از مجموعه‌ی وین نیز در هر دو طرف، شامل نام‌های ایرانی است که جیره‌ی غلات دریافت می‌کنند و خود سندی است بر اشغال مصر از سوی ایران.

نمونه‌ای از این نامه‌ها: پاپروس شماره ۵۷۰

1. [...] / 2. gund [?] ī Dēnbūd guft kū man az / 3. baxtag mar ī drahm 34 az / 4. māh Frawardīn ud rōz Ohrmazd / 5.] ī māh Spandarmad ud rōz ...

برگردان:

۱. [...] / ۲. سپاه دین بود - شامل خود من - از ۳ / شمار [سهم] معین شده‌ی درهم، ۳۴، از / ۴. ماه فروردین و روز اورمزد (روز یکم ماه) / ۵. ... از ماه اسپندارمذ روز [...] ...



تصویر ۵. پاپروس شماره ۵۷۰

در مجموعه‌ی برلین مجموعه‌ای از اسناد اقتصادی شامل ۴۰ پاپروس هم منتشر شده که گر چه متعلق به دوره‌ی تسلط خسرو دوم بر مصر نیست، می‌توان آنها را با هم سنجید، زیرا مسلماً اینها مربوط به دوره‌ای کوتاه پس از این شاهنشاه بوده (یا حتی برخی هم بر اساس سال یزدگردی و مربوط به اوایل دوره‌ی اسلامی است) و تداوم همان سنت‌های نگارشی. وجه اشتراک دیگر آنها، بخشی از نامه‌هاست که با نوع ایادگار انطباق می‌یابد. محل دقیق پیدایش این سندها کاملاً روشن نیست اما احتمال دارد که از قم و جنوب تهران به دست آمده باشد. از ۴۰ شیء، ۲۹ تای آنها بر چرم هستند و ۱۱ تا از آنها هم پارچه‌نوشته هستند. نوشته‌ی روی آنها بدون اسم و امضا است و با رنگ سیاه و با یک قلم نوشته شده و بعضی از آنها همراه گل‌مشته است. اینها به خط پهلوی شکسته‌ی رایج و با دستخطی ساده هستند. بیشتر اسناد دوره‌ی اسلامی، دارای تاریخ به ماه و سال هستند، در برخی موارد، اطلاعات روزانه هم داده شده است. در کنار اینها، هفت نامه دیده شده که بسیار شبیه به نامه‌های اقتصادی طرح ساسانی در مصر هستند. اسناد اقتصادی، به خاطر نوع خود، دارای معیارهای خاص زبانی هستند. اینها به سه دسته می‌شوند: نوع اول شامل سندهایی دارای فعل دادن است. دسته‌ای که شاید بتوان مرتبط با چک (čak) دانست عموماً این نوع نامه، واژه čak را

در بخش ابتدایی خود دارد و شناسایی آن را تسهیل می‌کند. کاربرد دقیق این انواع روشن نیست اما شاید گونه‌ای رسید یا یادآوری باشد. در این نوشته‌ها، گاه درباره فعل ستاندن هم بحث می‌شود. برخی اسناد و نامه‌های یافت شده از ورامین از این دسته هستند. سطر ۱ از سند شماره ۱۳ از مجموعه‌ی برلین، این گونه آغاز شده است: (. . . čak kē ēn.) «چکی که این...». نوع دوم که با فعل پذیرفتن و پذیره (padīrag) است و نوعی اخطاریه است. فعل (padīrēm): «پذیرم/ تحویل گیرم» در بخش اولیه می‌آید و در قسمت آخر و پیش از فعل، عبارت ریختاری بسیار قابل توجهی دارد: (pad gugāy - muhrān یا āwišt pad gugāy muhrāhā): «با گواهی مهرها، مهور شد»: به عبارتی با شاهد مهر، اعتبار و تصدیق حقوقی می‌یابد. شاید بتوان سند ۲۷ برکلی را که در آن فعل (MKBLWN-) در سطر ۱ و عبارت (gugāy-muhrān tān ēwēnag) «با گواهی مهر، آن آینه (=گونه)»، در سطر ۱۵ آمده است، از این دسته دانست (آذری و دیگران ۲۰۰۳: ۲۸-۲۹). این گونه اسناد کوتاه و بسیار قالبی، اما دربردارنده‌ی عناصر ضروری‌ای هستند از جمله اشاره به سمت فرد در آغاز متن، میزان جیره در زمان مشخص و در نهایت اشاره به مهر و موم، با عبارت ریختاری نظیر (pad). gugāy-muhr در عین حال، باز می‌توان در همین مجموعه هم تلفیق انواع را با وجود واژه-های کلیدی دو گروه، در یک نامه شاهد بود، مثلاً نوشته‌ی سند شماره ۱۳ نیز به خاطر اطلاعاتی که یک چک دارد. در این نوشته در سطر یکم دو نام خاص آمده است که نام هر دو پذیرنده یا دریافت‌دارنده‌ی (padīrēm) بیست سطل شراب هستند. این نامه می‌تواند متعلق به دسته‌ی دوم و نیز ایدگارنامه‌ها باشد (وبر ۲۰۰۸ الف: مقدمه؛ نیز ژینیو ۲۰۱۰: ۱۱۲). دسته سوم نیز در بخش ایدگار قرار گرفت و توضیح داده شد (وبر ۲۰۰۸ ب: ۸۱۷؛ نیز نک همو، ۲۰۰۳: ۱۹-۲۵).

۸. نتیجه

دوره ساسانی از وجه رسم‌الخط دارای تنوع بوده است و روندی پویا را پیموده است. آثار مکتوب بسیاری که از این دوره به جا مانده و نیز اشاراتی که در نوشته‌های مورخان و نویسندگان پس‌اساسانی به این امر هست مؤید این مدعاست. شاید بتوان عنوان داشت که رسم‌الخط نه تنها بسته به مؤلفه سیر زمان که بسته به بافت و مضمون و همین طور سطح و ابزار نگارش متنوع و متحول می‌شده است. شاهنشاهان ساسانی درصدد خلق آثار فاخری بودند تا جلوه قدرت و شکوه آنان را بیفزاید. ادبیات نیز مشمول این رویکرد بود. گردآوری

و نگاشتن اوستا و نیز برگردان ادبیات ملل دیگر به ویژه یونان و هند که مستلزم ایجاد خطی مترقی و اشراف به علم ترجمه و ادبیات غیربومی بود همزمان موجد اصلاحاتی چشمگیر در خط نگارش و ادبیات سنتی شد. این اصلاحات را می‌توان هم‌دوره با اصلاحات اجتماعی فراگیر در دوره قباد یکم پی گرفت. سپس خسرو یکم به طور جدی‌تری این اقدامات را دنبال کرد. خسرو دوم با جهان‌گشایی‌های مفتخرانه خود در زمینه‌ی ادبیات رسمی و اداری هم به ویژه بانی تحولی عظیم گشت. عوامل وی با الهام‌گیری و تلفیق ادبیات ایرانی با روح الگوهای بیزانسی رسم‌الخط و نیز قالب نگارشی نوشته‌ها و به ویژه نامه‌ها ادبیات را کاملاً کاربردی و همگام با تحولات جاری زمان خود ساختند. ابزار نگارشی، پایروس شد؛ نویسه‌ها ساده‌نویس‌تر سریع‌تر و شکسته گشتند و استفاده از اختصارات گسترده شد. درازنویسی متمایل به کوتاه‌نویسی و ریختارگرایی گشت و تمام این اتفاقات با رویکرد و زمینه‌ای قدیم‌تر سرعتی فراوان یافتند و به زودی آخرین نمود رسم‌الخط کاربردی ساسانی را به نمایش درآوردند.

افزون بر رسم‌الخط باید به تحول بعد دیگر ادبیات در این زمان اشاره کرد. زمانی که از دسته‌بندی نامه‌های مورد بحث سخن به میان می‌آید، باید در نظر داشت که اولاً این نامه‌ها همواره تنها یک موضوع واحد را بحث نکرده‌اند؛ ممکن است حتی موضوعی دیوانی با مسأله‌ی احوال‌پرسی شخصی درآمیخته باشد، ثانیاً نامه‌ها کوتاه‌تر از آن هستند که همواره بتوان نوع آن را با اطمینان مشخص کرد. در نامه‌های مربوط به مصر کلیدواژگانی هست که در نوشته‌های به دست آمده از ایران، پیش از دوره‌ی اشغال مصر نبوده یا کمتر رایج بوده است. در نامه‌های اقتصادی، که کمی متأخرتر از دوره‌ی تسلط خسرو بر مصر هستند، شکل ساختاری و واژی باز هم تحول می‌یابد و تا حدی هر چند اندک، چارچوب‌مندتر می‌شود. بررسی این خط سیر تحول، ارتقای سطح نوشتاری را نشان می‌دهد. شاید بتوان گفت که فرم‌های کوتاه و دارای قالب نسبتاً واحد مربوط به محدوده‌ی زمانی اشغال مصر، که شاید تلگرام گونه هستند، مرحله‌ای ابتدایی را داشته است که در قالب ریختارهای سنتی و تکراری ادبی (شامل دو بخش ریختاری آغازین الف و پایانی ج)، مانند آنچه در کتاب «آیین نامه‌نویسی» هست، خلاصه می‌شده و بخشی که مضمون متغیری همچون مسایل مالی، مجوزها، قراردادهای دعاوی را شامل می‌شده، در میانه نوشته می‌شده است. اما استفاده از فرم‌های ثابت و یا کلیدواژگانی خاص‌تر، چون -padīr, cak یا dādan برای تعیین و تشخیص نوع نامه، که احتمال دارد نوشته‌ی مهر و گل‌نوشته متصل بدان هم نماد دیگری

از نوع نامه بوده، فرایندی است که به تدریج اتفاق افتاده است. اگر تشخیص زمان ۴۰ سند اقتصادی خوانده شده توسط وبر از مجموعه‌ی برلین صحیح بوده باشد، می‌توان این نظر را پیش نهاد که با پیشرفت‌های جنگی، نیاز به ایجاد بوروکراسی فراگیر و منظم و یک‌دست‌تر ایجاد کرد در قالب و الگوهای نوشتار دیوانی بازنگاری شود، در عین حال قاعدتاً از تعامل‌ها و ارتباطات با نظام دیوانی دیگر هم قالب‌هایی اقتباس شده است که این از بررسی نوشته‌های مختلف به ویژه نوشته‌های یونانی در مصر قابل تأیید است. بررسی این اسناد نشان داده است که مقامات ایرانی با بومیان مصر داد و ستد داشته و اسناد مربوط به این معاملات، حتی برخی اسناد و مدارک محرمانه را هم به یونانی می‌نوشته‌اند. به علاوه بر این، ایرانیان (اگر نه همه، که حتی بخشی از) نظام مالیاتی و اصطلاحات مربوط به بیزانس و حتی واژگان و اصطلاحات خاص آنها را اقتباس کردند (نک. سنگر ۲۰۱۱: ۶۶۴). این آشنایی و اقتباس، قاعدتاً در نوشته‌های فارسی میانه هم تأثیراتی نظیر اقتباس ریختار و طرح نامه‌ها داشته است و نسبت به قالب‌های سستی و بومی، اصلاحات و بازبینی‌هایی در آنها صورت گرفته است. بنابراین، شاید بتوان گفت که صورت‌های کتابی و یا کتیبه‌ای اوایل دوره‌ی ساسانی، با این که قالب‌های ادبی تکراری را ارایه می‌کند، در زمینه‌ی مکاتبات دیوانی و اداری، فرمی ابتدایی داشته است. اما با پیشروی و گسترده‌ی محدوده‌ی شاهنشاهی، نهادهای اداری در مستعمرات و ایالات دیگر، با این تعاملات و نیز مقتضیات جدید، در نگارش نامه‌های اداری دچار تحولات تکمیلی شده است که با حفظ کوتاهی، و حذف هر چه بیشتر بخش‌های غیرضروری، چون القاب و تکریم، با شناسه‌های جدیدی چون سه واژه‌ی یاد شده در بالا، گویاتر و کاربردی‌تر شده‌اند و توانسته صورتی نسبت به زمان خود، کامل و متناسب با شرایط خود به عنوان آخرین نمونه خط و ادبیات دوره ساسانی را پیش روی نهاد. این الگوها در دوره‌ی اسلامی هم جوابگوی نیازهای سازمانی بوده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. نام مصر در بندهش ۳-۱۸ این چنین آمده است: (Agiptus būm kē misr-iz xwānēnd): «بوم آگیپتوس که بدان مصر هم گویند». صورت فارسی باستان آن هم mudrāya- است. این نام در کتیبه‌های فارسی باستان به صورت pirāva- مانند کتیبه‌ی داریوش در نقش رستم و شوش و نیز کتیبه‌ی خشیارشا در تخت جمشید و چند کتیبه‌ی دیگر آمده است (نک. کنت، ۱۹۵۳).

۲. به فارسی میانه rōd ī nīl

نمود آخرین صورت ادبیات فارسی میانه ساسانی ۱۰۱

۳. پاپیروس نامی یونانی برای گیاهی به همین نام است که در مصر و کنار نیل می‌رست. این گیاه را هم در پزشکی استفاده می‌کردند و هم با افزودن مواد و تغییراتی در آن، برای ابزار نوشتاری به کار می‌بردند. ایرانی‌ها هم با ورود به مصر بدان دست یافتند (نک. کرامتی ۱۳۹۳: ۴۹۸).

۴. فیوم، واحه‌ای آباد در مصر سفلی بوده است. محل آن در حدود صد کیلومتری جنوب غربی قاهره کنونی است. نام فیوم از زبان قبطی گرفته شده و به معنی دریاچه است.

۵. در بایگانی مهم مهاجران نظامی یهودی جزیره الفانتین رونوشتی از متن بیستون به زبان و خط آرامی بر پاپیروس پیدا شد نیز درحواشی این اسناد، یادداشت‌های اداری دوره‌ی هخامنشیان نیز قید شده است (نک. گیرشمن ۱۳۸۰: ۱۴۷؛ فرای ۱۳۸۰: ۱۶۱).

6. Sachau. 1878. Fragmente von Pahlavi Papyri aus Agypten . *Zeitschrift fur ägyptische Sprache und theurumskundem* . vol.16:11.

7. Horn. 1889. Zur Entzifferung der Pehlevi Papyrus. *ZDMG*, vol. 43, 5053: 609-612.

8. Hansen. 1938. *Die mittelpersischen Papyri der Papyrussammlung der Staatlichen Museen zu Berlin*. Berlin.

9. de Menasce. 1953. Rechercher de Papyrologie Pehlevie , *Jurnal Asiatique*, vol.241: 185-196.

Idem. 1957. *Corpus Inscriptionum Iranicarum* ,part III, *Pahlavi Inscriptions*, vol.IV. Ostraca vol.V.

10. Perixanian. 1961. *Peslevijskie papyrus sobranija GMII imeni A.S. Pushkin*. vol.3: 78-93.

11. Harmatta. 1974. Laisser-passer en Égypte à la fin de l'antiquité. *Studia Aegyptiaca* I: 165-75 .

۱۲. برای توضیحات بیشتر درباره خط منفصل (که در نگارش کتیبه‌ها و سکه‌های نخستین دوره‌ی ساسانی کاربرد داشت) و متصل (که در نگارش پاپیروس‌ها، متن‌های زردشتی و سکه و سفال-نوشته‌ی اواخر ساسانی به کار می‌رفت)، نک. ابوالقاسمی ۱۳۷۴: ۱۴۷-۱۵۴؛ آموزگار-تفضلی ۱۳۸۰: ۲۳.

۱۳. محققان غیر ایرانی، بر سطح داخلی پاپیروس که تارهای عمودی دارد و عموماً دارای متن اصلی بوده است، نام Recto و برای پشت پاپیروس که غالباً نام مخاطب ذکر می‌شد و تارهای افقی داشته نام Verso را نهاده‌اند که در هنگام حرف و آوانوشت متن پاپیروس‌هایی که دو رویه دارند، به صورت علامت اختصاری (V و R) نشان داده می‌شوند (وبر ۱۹۹۲: ۳-۴).

۱۴. تنها در چند نوشته تاریخ دقیق ذکر شده است: یکی پاپیروس شماره ۱۸۸ در مجموعه موزه مصرشناسی برلین که از مصر به دست آمده و در دو خط اول، تاریخ ماه شهریور سال ۳۵ روز امرداد (روز هفتم ماه) از فرمانروایی خسرو دوم (۶۲۴-۶۲۵ م.) را نشان می‌دهد و دو پاپیروس

به شمارگان ۳۷۳ الف و ۲ که در مجموعه موزه ملی وین نگهداری می‌شوند و به ترتیب دارای تاریخ ۳۵ و ۳۲ فرمانروایی خسرو هستند؛ نیز یک چرم‌نوشته که در موزه فیلاولفیا نگهداری می‌شود و دارای تاریخ ۳۷ است، اما به دلیل مخدوش بودن متن نمی‌توان درباره‌اش با قطعیت سخن گفت. معمولاً برای ذکر تاریخ، نام روز پس از ماه با حرف ربط (ud): «و» می‌آید و به هم متصل می‌شود (وبر ۱۹۹۲: ۱۹۹؛ همو ۲۰۰۷: ۷۲۷).

۱۵. شهروراز به معنی «گراز کشور یا شاهنشاهی» نام و نیز لقب چند سپاهبد ساسانی است. هم سپاهبد خسرو یکم و هم سپاهبد خسرو دوم، این عنوان را داشته و هر دو نیز ناماور و دارای نقش مهمی بوده‌اند (نک. گیزلن ۴۲: ۱۳۸۴؛ نیز همان: ۶۱، یادداشت ۵۱).

۱۶. آلان‌ها یکی از قبایل ایران باستان و از گروه (سکاها، سیرمتیان و ماساگت‌ها بودند. تجمع اصلی آنها در شمال خزر و دریای سیاه بوده است و سپس کریمه و مناطق وسیعی در قزاقستان شمالی را هم تصرف کردند. اینها اصلاً قومی صحراگرد، جنگجو و دارای زندگی شبانی بودند و به دفعات به خدمت رومیان، پارت‌ها، و ساسانیان درآمدند. سواره نظام آنها به خصوص مشهور بود. آنها در جنگ مهرداد با روم، و همچنین در نبردهای روم در ارمنستان، ماد، و پارت در سده‌های یکم و سوم میلادی شرکت جستند. نام «آلان» از ایرانی باستان: *arya، «آریایی» مشتق شده (از صورت اضافی جمع (*aryānām)) و با «ایران» هم‌ریشه است (بیلی-آبائف ۱۹۸۵: ۸۰۱ - ۸۰۲).

۱۷. درباره‌ی استفاده از آرامی در نگارش دیوانی در قلمرو هخامنشی نک. گزلا، ۲۰۱۵.

۱۸. این بخش عموماً متنوع و نسبت به بخش‌های دیگر طولانی‌تر بوده و در سایر متن‌های نمونه، داده شده است. به همین دلیل از آوردن نمونه در این بخش، خودداری می‌شود.

۱۹. این واژه از یونانی گرفته شده و واحدی برای سنجش مایعات بوده است (نک. جلالی‌پور ۲۰۱۴: ۹).

۲۰. برای نمونه سندهای با شمارگان ۱۲، ۳۴، ۴۱، ۴۳، ۴۶، ۶۵، ۶۸، ۷۴، ۱۲۱، ۱۶۰، ۲۲۶ و ۲۲۸ از مجموعه‌ی برکلی.

۲۱. در اینجا بر خلاف معنی ظاهری فعل گفت و بر اساس شواهدی چون پایروس ۳۷۳ الف - سطر دوم - که ویر ارایه داده است، آن را به «شامل/عبارت از...» برگردانده است.

کتاب‌نامه

ابوالقاسمی، محسن ۱۳۷۳. *تاریخ زبان فارسی*، تهران، انتشارات سمت.
آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد ۱۳۸۰. *زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن*. چاپ سوم، تهران، انتشارات معین.

نمود آخرین صورت ادبیات فارسی میانه ساسانی ۱۰۳

- بختیاری، آرمان ۱۳۹۱. پاپيروس های پهلوی. *نامه فرهنگستان*، ش. ۱، ۷۵-۸۸.
- دریایی، تورج ۱۳۸۷. *تاریخ و فرهنگ ساسانی*. ترجمه مهرداد دیزچی. تهران، انتشارات ققنوس.
- دریایی، تورج ۱۳۹۲. *ساسانیان*. ترجمه شهرناز اعتمادی. تهران، انتشارات توس.
- فرای، ریچارد ۱۳۸۰. *تاریخ باستانی ایران*. ترجمه مسعود رجب نیا. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کرامتی، یونس ۱۳۹۳. پاپيروس. *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، ج. ۱۳، ۴۹۸-۴۹۹.
- گیرشمن، رومن ۱۳۸۰: *ایران از آغاز تا اسلام*. ترجمه محمد معین. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- گیزلن، ریکا ۱۳۸۴. *چهار سپاهید شاهنشاهی ساسانی، بر اساس شواهد مهرشناسی*. ترجمه سیروس نصراله‌زاده. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- نصراله‌زاده، سیروس. *زیر چاپ. کتیبه‌های خصوصی دوره‌ی ساسانی*. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هویسه، فیلیپ ۱۳۹۳. *ادبیات کتیبه‌ای در زبان‌های ایرانی باستان و میانه*. *ادبیات ایران پیش از اسلام*. جلد هفدهم (پیوست ۱). ترجمه سیروس نصراله‌زاده. انتشارات سخن.

- Azarpay, Guitty et al. 2002. Analysis of Writing Materials in Middle Persian Documents. *Bulletin of the Asia Institute*, New Series, Vol. 16: 181-187.
- Azarpay, Guitty et al. 2003. New Information on the Date and Function of the Berkeley MP Archive. *Bulletin of the Asia Institute*, New Series, Vol. 17: 17-29.
- Bailey, W. and Abaev, V. I. 1985. Alans. *Encyclopaedia Iranica*, Vol. I, Fasc. 8: 801-803.
- Cereti, C.G. 2008. On the Pahlavi Cursive Script and the Sasanian Avesta. *Studia Iranica*, Tome 37, fas.2: 175-196.
- Daryaei, Turaj. 2003. *Middle Persian Papyri from the Sasanian Occupation of Egypt in the Seventh Century (I)*. www.sasanika.org
- Daryaei, Turaj. 2004. Middle Persian Papyri, Ostraca and Parchments. *Middle Persian Documents: 1-2*.
- De Menasce, Jean. 1957. Pahlavi inscriptions. Ostraca and papyri. *Corpus Inscriptionum Iranicarum* (CII), Part III: *Pahlavi Inscriptions*, Vol. IV: *Ostraca*, Vol. V: *Papyri*. London.
- De Menasce, Jean. 1985. Rechercher de Papyrologie Pehlevie. *Studia Iranica*, cahier 3: 163-175.
- Gadjiev, Murtazali. 2016. DARBAND EPIGRAPHY i. MIDDLE PERSIAN INSCRIPTIONS. *Encyclopaedia Iranica*, online edition. available at www.iranicaonline.org.
- Geignoux, Philip. 1999. Ostraca, Papyri et Parchemins. *Dossiers d'Archéologie*, Cote: 044.34: 24-25.
- Geignoux, Philip. 2010. Un Nouvel Ouvrage de Reference de la Papyrologie Pehlevie: Note de Laecture. *Studia Iranica*, Vol. 39: 111-120.
- Geignoux, Philip. 2012. Un Archive Post-sasanide du Tabaristan(1), *Les Orientals*, Vol. XXI: 29-97.

- Gyselen, Rika.1999. Monnaies et Sceaux Sassanides. *Dossiers d'Archéologie*, Cote: 044.34: 26-29.
- Gyselen, Rika.2007. Sasanian Seals and Sealings in the Saeedi Collection. *Acta Iranica* 44.
- Gyselen, Rika. 2012. Scellements dans l'Archive Post-Sassanide de Tabaristan(1). *Res Oriëntales, Objects et Documents Inscrits en Parsig*. Vol.XXI: 97-108.
- Gzella, Holger.2015. *A Cultural History of Aramaic, From the Beginnings to the Advent of Islam*. Boston.
- Hansen, O. 1938. *Die Mittelpersischen Papyri der Papyrussammlung der Staatlichen Museen zu Berlin*. Berlin (APAW 1937, Nr. 9).
- Jalalipour, Saeid. 2014. Persian Occupation of Egypt 619-629: Politics and Administration of Sasanians . *e-Sasanika Graduate paper 10* :1-16.
- Kent, Roland. 1953. *Old Persian (Grammar, Texts, Lexicon)*. New Haven.
- Sänger, Patrick. 2011.The Administration of Sasanian Egypt: New Masters and Byzantine Continuity .*Greek, Roman, and Byzantine Studies* 51: 653–665.
- Tafazzoli , Ahmad. 1993. Correspondence i. In pre-Islamic Persia *Encyclopaedia Iranica*.Vol. VI, Fasc. 3: 287-290.
- Weber, Dieter. 1983. Die Pehlevi fragmente der Papyrussammlung der Österreichischen Nationalbibliothek in Wien . *Festschrift Papyrus Erzherzog Rainer (P. Rainer Cent.)*: 215-28.
- Weber, Dieter.1984. Pahlavi Papyri und Ostraca: Stand der Forschung. *Middle Iranian Studies, Proceedings of the International Symposium organized by the Katholieke Universiteit Leuven from the 17th to the 20th of May 1982, ed. by W. Skalmowski and A. van Tongerloo, Leuven (= Orientalia Lovaniensia Analecta, 16)*: 25–43.
- Weber, Dieter .1991. Ein bisher unbekannter Titel aus spätsassanidischer Zeit?. *Corolla Iranica (Papers in honour of Prof. Dr. D. N. MacKenzie)*. ed. by R. E. Emmerick and D. Weber: 228–236.
- Weber, Dieter.1992. Ostraca, Papyri und Pergamente. *Corpus Inscriptionum Iranicarum*, vol.IV.*Ostraca* and Vol.V. *Papyri*. London.
- Weber, Dieter. 2002. Eine spätsassanidische Rechtsurkunde aus Ägypten . *TYCHE* 17: 185–192.
- Weber, Dieter. 2003. Remarks on the development of the Pahlavi script in Sasanian times. *Religious Texts in Iranian Language* :185–195.
- Weber, Dieter. 2005. Pahlavi Papyri . *Encyclopaedia Iranica online*.
- Weber, Dieter. 2007a. Writing Exercises in Late Sassanian Times, A Contribution to the Culture of Writing Pahlavi. *Ancient and Middle Iranian Studies*: 255–263.
- Weber, Dieter. 2007b. The Vienna Collection of Pahlavi Papyri. *Akten des 23. Internationalen Papyrologenkongresses,(Geichische Akademie der Wissenschaften, Phil.-Hist. Kl., Kommission für Antike Rechtsgeschichte)*: 725–738.
- Weber, Dieter. 2008a. *Berliner Pahlavi-Dokumente, Zeugnisse spätsassanidischer Brief und Rechtskultur aus frühislamischer Zeit*. Wiesbaden.
- Weber, Dieter.2008b. Sassanidische Briefe aus Ägypten . *Asiatische Studien/*

نمود آخرین صورت ادبیات فارسی میانه ساسانی ۱۰۵

Études Asiatiques LXII/3: 803–826.

Zeini, Arash. 2015: Preliminary remarks on Middle Persian in the Pahlavi documents. *Studies on the Iranian World I. Before Islam*: 67–73.